نعیم احمدی / ایران ورزشی Nimi. Ahmadi

قرمز و آبی؛ برابر با هم

میراثی که خراب نشد

سام ستارزاده

۳

بیش از ۳ سال از پیروزی ۳ بر ۲ استقلال در شهرآورد ۸۵ گذشته بود؛ از آخرین شهرآورد پرگل تاریخ. از آن زمان، آمار فوتبال ما تغییرات گسترده‌ای به خود دیده است. برای مثال، پرسپولیس ۷ جام به ویترین افتخاراتش اضافه کرده، استقلال ۳ مرتبه الهلال، پرافتخارترین باشگاه آسیا را شکست داده و تیم ملی یک جام جهانی و یک نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا را تجربه کرده است اما یک چیز طی این سال‌ها ثابت مانده؛ سرخابی‌ها شانه به شانه یکدیگر در اوج قرار دارند؛ هرچند جدول لیگ و نتایج کفه ترازو را به سوی پرسپولیس سنگین‌تر می‌کنند.

ماه گذشته، در زمستان ویرانگر فوتبال ایران، لیگ برتر از مربیان خارجی مطرح خود تهی شد. در کنار دنیزلی و اسکوچیچ، کالدرون و استرا هم با سوءتدبیر نابخشودنی مدیران دو باشگاه محبوب به گیت خروج فرودگاه هدایت یا دقیق‌تر بگوییم، رانده شدند.

میراث آنها به فرهاد ویحیی رسید؛ آینده‌دارترین و از خوشنام‌ترین مربیان ایرانی حال حاضر فوتبال ایران. فرهاد، یحیی، استرا و کالدرون اسامی هستند که هنگامی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، تضادهای بسیاری را رقم می‌زنند؛ ولی از سویی نیز در داشتن جسارت اشتراک زیبایی دارند. همین موضوع، پایه شهرآوردی بود که هر بیننده‌ای را تا لحظه شنیده شدن سوت پایان خود در جایش میخکوب کرد. دربی ۹۲ تلفیق دوایده متفاوت ولی جذاب بود. پرسپولیس که زیر نظر گابریل کالدرون اجرای ضدحمله‌های پارتیزانی را به خوبی برعهده گرفت، با سرمربیگری گل‌محمدی بیش از پیش به حفظ مالکیت توپ می‌اندیشد. مجیدی نیز میراث آندره‌آ استراماچونی، یعنی بهره‌وری مضاعف از موقعیت‌ها را حفظ کرد و نقشه‌های فراهجومی سرمربی سابق آبی‌ها را با دفاع منطقی و ضدحمله‌های حساب شده درآمیخت.

دربی را هیچ تیمی نبرد؛ ولی هر دو سرمربی داخلی پیروز شدند؛ دو سرمربی که به آنها محول شده اثبات کنند داخلی‌ها هم می‌توانند روی نیمکت‌های لیگ برتری حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشند.

شاگردان مجیدی از نبود شجاع خلیل‌زاده نهایت استفاده را بردند و بارها زوج حسینی - کنعانی را بابت کندی‌شان مجازات کردند. سربازان یحیی نیز با علم به خلأیی که در تیم‌هایی که با سیستم ۲-۵-۳ به میدان می‌روند، کناره‌ها را در دست گرفتند و دو مرتبه هم از همان گوشه زمین گل‌های‌شان را پایه‌گذاری کردند. هر دو تیم، چه در نیم‌فصل اول و چه در این هفته‌ها، جزو مالکانه‌ترین تیم‌های لیگ بودند ولی مجیدی پس از گل پیروزی‌بخش آبی‌پوشان قید مالکیت را زد و ترجیح داد از دروازه خودش محافظت کند که موفق هم نشد.

استقلال در نیمه اول تیم برتر میدان بود

سیدعباسی: پرسپولیس شانس زدن گل سوم را هم داشت

مصاحبه روز
ناصر قراگزلو

۴

داود سید عباسی بازیکن سابق تیم‌های سرخابی از دلیل اتخاذ دو روش متفاوت تیم‌های پرسپولیس و استقلال برای نفوذ در بازی دربی حرف می‌زند. با بازیکن سابق تیم‌های سرخابی در رابطه با علت اتخاذ روش متفاوت مربیان دو تیم حرف زدیم.

از منظر تاکتیکی شرایط دو تیم چگونه بود؟ استقلال نمایش بهتر و با کیفیت‌تری داشت یا پرسپولیس؟

استقلال با توجه به غیبت دیاباته و حضور امیر ارسلان مطهری سعی داشت تا از عمق دفاع پرسپولیس حمله کند که این امر هم با توجه به توانایی قائدی و مطهری که تخصص خوبی در این امر داشتند به خوبی انجام شد. در نیمه اول مالکیت توپ و برتری بیشتر با تیم استقلال بود که البته تیم آبی‌پوش از برتری خودش استفاده و به گل هم رسید اما از آنجا که شرایط دربی کاملاً متفاوت است استقلال نتوانست هیجان بازی را کنترل کند و بازی در اختیار سرخ‌پوشان قرار گرفت و تیم پرسپولیس موفق شد گل مساوی را به ثمر برساند.

بعد از گل برتری استقلال، پرسپولیس چه تغییری داشت و چه برنامه تاکتیکی در روش بازی‌اش لحاظ کرد؟

بعد از دریافت گل دوم، پرسپولیس بازی ترکیبی خیلی خوبی را به نمایش گذاشت و اصلاً عجله‌ای نکرد و سرعت را در قالب منطق ایجاد کرد. یحیی گل‌محمدی تغییرات خوبی در تیمش ایجاد کرد و با تعویض‌های بسیار خوب او سرخ‌پوشان به گل رسیدند و چه بسا که اگر بازی برای دقایقی دیگر هم ادامه داشت پرسپولیس می‌توانست حتی به گل برتری هم برسد. ضربه استوکس عالی بود و با فاصله بسیار کمی از بالای دروازه به خارج رفت. در مجموع بازی خیلی خوبی را از دو تیم شاهد بودیم.

چرا دو تیم روشهای کاملا متفاوتی را برای حمله اتخاذ کرده بودند؟

استقلال مهاجم بلندقامتی نداشت به همین دلیل اگر می‌خواست به سانتر از جناحین بپردازد قطعا کنعانی زادگان و سید جلال بر مهاجمان استقلال قالب می‌شدند. در سوی دیگر بازیکنان پرسپولیس روی به نفوذ از کناره‌ها پرداختند البته بازیکنان تیم پرسپولیس از لب خط سانتر نمی‌کردند و اغلب از سانترهای لب خط هجده قدم یا بعضا از کارهای ترکیبی درون هجده قدم به فکر گلزنی بودند و استقلال هم چون با سه دفاع به دفاع کردن می‌پرداخت مدافعانش متمرکز به عمق بودند. پرسپولیس از تمام فضای زمین خیلی خوب استفاده کرد و حضور نادری که واقعا عالی کارکرد خیلی در کارهای تهاجمی کمک حال سرخ‌پوشان شد. اگر بازی برای دقایقی دیگر هم ادامه داشت پرسپولیس می‌توانست حتی به گل سوم هم برسد و به جای یک امتیاز حتی با سه امتیاز میدان را ترک کند.

تساوی عادلانه، رضایت عمومی

بهترین خودت باش

نگاه
سامان موحدی‌راد

۵

دربی بعد از ظهر زمستانی تهران پایان پرگلی داشت. یکی از آن تساوی‌های ۲-۲ که البته عاقبتش به مشت و لگد بازیکنان منتهی نشد و فرجام خوبی داشت. بازی زیبا و پرهیجانی که از یک دربی انتظار می‌رفت با ۴ گل که تماشاگران را هم کم و بیش راضی راهی خانه کرد.

اگرچه استقلالی‌ها به خاطر از دست دادن پیروزی در دقایق پایانی ناراحت بودند اما تساوی و تثبیت شرایط‌شان در کورس قهرمانی نکته‌ای بود که کسی از آن نمی‌توانست بگذرد.

فرهاد مجیدی مربی جوانی است و هنوز در عین جوانی در استقلال شکست نخورده. با این حال می‌توان از دست دادن این پیروزی در دقایق پایانی را تا حدی به او و تصمیم‌گیری‌اش نسبت داد. همانقدر که بازی قبلی استقلال را فرهاد مجیدی با تعویض‌هایش برگرداند و شکست را به پیروزی تبدیل کرد، اینجا هم تعویض او در تغییر نتیجه بازی تأثیر داشت و اینها همه درس‌هایی است که این مربی جوان در ابتدای راه مربیگری‌اش گرفته است.

با این حال استقلال او نمایش قابل قبولی داشت. در نیمه اول آنها مالک توپ و میدان بودند و میانه زمین را به کمک ۳ هافبک میانی تأثیرگذارشان از آن خود کرده بودند. علی کریمی، فرشید باقری و مسعود ریگی این روزها بهترین هافبک‌های میانی لیگ ایران هستند و نقش مهمی در کسب نتایج استقلال دارند. برای تیمی که هافبک بازیساز ندارد، حضور این ۳ بازیکن و نقش‌شان در تغییر فاز بازی از دفاع به حمله بسیار مؤثر است.

در بازی روز پنجشنبه شاهد کم‌کاری بال‌های کناری استقلال بودیم. وریا و میلیچ با ترسی که از خالی ماندن فضای پشت سرشان داشتند، چندان نفوذ نکردند. همین مسأله موجب شد تا کناره‌های زمین در اختیار پرسپولیسی‌ها قرار بگیرد.

بازیکنان یحیی اگرچه نیمه نخست چندان نمایش خوبی نداشتند اما در نیمه دوم و بعد از دریافت گل دوم تلاش زیادی برای گلزنی انجام دادند و در زمین استقلالی‌ها خیمه زدند.

تعویض قائدی توسط مجیدی هم موجب شد تا خیال خط دفاعی پرسپولیس راحت شود و از آزارهای قائدی هم دیگر خبری نباشد. همین مسأله در کنار دو تعویض طلایی یحیی موجب شد تا این تیم در دقایق پایانی بازی به گل تساوی برسد.

در این بازی انچه که بیشتر به چشم آمد، جولان استقلال در میانه زمین بود که با سه هافبک خود وسط زمین را کاملا در اختیار گرفت. در مقابل پرسپولیس با هافبک‌های پابه توپ و مدافعان رونده اش در کانال‌های کناری توانست بازی را در اختیار بگیرد. تقابل این دو سبک از بازی سبب شد تا یک نمایش متعادل را در زمین شاهد باشیم. در حقیقت طول و عرض زمین به تساوی بین دو تیم تقسیم شد تا دربی متعادل پیش برود.

به نظر و با توجه به موقعیت‌های دو تیم تساوی پرگل ۲-۲ نتیجه منصفانه‌ای برای این بازی بود. اگرچه مربیان دو تیم اگر محافظه‌کاری تاریخی‌شان را کنار می‌گذاشتند شاید شاهد بازی پرگل‌تری هم بودیم. با این حال بعد از چند دربی با مربیان خارجی، اولین دربی با مربیان ایرانی در چند سال اخیر بازی دلپذیری بود که نتیجه‌اش رضایت هواداران بود.

نوستالژی

طنزیم
هومن جعفری

به سلامتی و مبارکی تیم ملی را به آقای اسکوچیچ دادند. چند ماه قبل بود که آقای مازیار ناظمی مدام در توئیتر طلوع می‌کرد که قرار است طلوع کنیم و بهترین مربیان جهان را برای تیم ملی بیاوریم! بعد ویلموتس را آوردند.

اولش که خوب بود ولی بعدش یکطوری نتیجه گرفت که گفتیم صد رحمت به کی‌روش! بعد گذاشتندش کنار! قرار شد با چند مربی دیگر کار کنند. تهش رسیدند به علی دایی و امیر قلعه‌نویی!

بعد دیدند این عزیزان یکطوری هستند که آدم ویلموتس را برگرداند، بهتر است! در نتیجه اسکوچیچ را آوردند! الان هم هنوز اسکوچیچ نیامده همه متفق‌القول بر این باور هستند که علی دایی و امیر قلعه‌نویی حیف شدند! حالا ترسناک‌ترش اینجاست که نگرانیم آخر سال یکی در فدراسیون رأی بیاورد که همه حسرت تاج را بخوریم!

به سلامتی و مبارکی تیم پیکان هدایت خود را به عبدالله ویسی داد. بله بسیار هم انتخاب شایسته‌ای است و از همین حرف‌ها. فقط سؤالی که برای بنده پیش آمده این است که این برادر ویسی، همانی نیست که احیاناً چند سال قبل، هدایت همین تیم پیکان را در دست گرفت و با نتایجی ظفرمندانه به دسته پایین‌تر سقوط کرد؟

اگر پیکانی‌ها ترس داشتند که با فرکی به دسته پایین‌تر سقوط کنند حق داشتند چون نتایج خوبی کسب نشده بود اما اینکه تیم را از ترس سقوط بدهند دست یکی که قبلاً زحمت سقوط دادن‌شان را کشیده بود از آن دست کارهایی است که اگر در فوتبال ایران رخ ندهد، ما طنزنویس‌ها نمی‌دانیم نان‌مان را از کجا بخوریم؟

جداً خودتان یک بار روبه‌روی آینه بایستید و این متن را با صدای بلند تکرار کنید. تیم پیکان برای فرار از سقوط احتمالی، به سراغ کسی رفت که قبلاً یک بار با او سقوط واقعی را تجربه کرده بود! خنده‌تان نمی‌گیرد؟